نوآوري و شکوفايي

هدف مقام معظم رهبري از ناميدن سال 1387 به «سال نوآوري و شکوفايي» اين بوده است که شور و شعوري از خلاقيت در ميان مردم ايجاد کند و با اين کار، از يک سو دانشمنداني که در اين مسير تلاش مي‌کنند در کار خود تشويق شوند و با حمايت قاطع رهبري و دست‌اندرکاران نظام و مردم، راه‌هاي شکوفايي و قله‌هاي توسعه را با شتاب بيشتري بپيمايند و از جانب ديگر، دانشجويان و محصّلان و محققان بدانند که راز اساسي پيشرفت، خلاقيت و نوآوري است.

نوآوري و تجدد طلبي، در نهاد آدمي گذاشته شده است. همان‌گونه که هر سال در موقع بهار، طبيعت نو مي‌شود و بذرهاي نهفته در نهادش آشکار مي‌گردد و درختان شکوفه مي‌دهند، افراد بشر نيز همواره دنبال تازه‌هاي خبري، علمي و نوآوري‌هاي اقتصادي و خلاقيت‌هاي ادبي هستند و در پرتو تلاش و آموزش و پرورش، استعدادهاي نهفتة آنها آشکار و شکوفا مي‌شود. حس کنجکاوي و سائقة فطري بشر نيز اين معنا را ايجاب مي‌کند که به همراه نو شدن طبيعت در بهاران و ظهور شکوفه‌ها، او نيز ظرفيت‌هاي نهفته و دفينه‌هاي عقل خود را برانگيزاند:

نظر کن لاله را در کوهساران

که چون خرّم شود فصل بهاران

کند شق‌شِقّة گــل زيـر خارا

جمال خود کند زان آشکــــارا

پري‌رو تـاب مستــوري ندارد

در ار بنـدي سـر از روزن بـرآرد

نوآوري چيست؟

نوآوري در فرهنگ لغت به مفهوم ابتکار، ابداع، اختراع، بدعت و نوآفريني آمده است. نوآور يعني مبتکر، مبدع، مخترع، متجدد و نوآفرين.[1] نوآوري، مفهوم بسيار وسيعي دارد و گسترة آن بسياري از شئون زندگي اجتماعي، سياسي، اقتصادي، علمي و اعتقادي بشر را در بر مي‌گيرد.

خلاقيت و نوآوري، يک استعداد فطري و ظرفيت عقلاني است و حيوانات از اين موهبت بي‌بهره‌اند و طبق سنّت غريزي همواره پوياييِ يک‌نواخت و ايستاييِ يک‌سان دارند، در صورتي که اگر انسان‌ها در زندگي تحرک و نوآوري نداشته باشند از نظر فرهنگي مرده‌اند، چرا که همواره در جنگ ميان فرهنگ و زندگي قرار دارند و اين درگيري در نهايت به سود زندگي تمام مي‌شود، زيرا زندگي اصل است و فرهنگ فرع آن. ولي فرهنگ و سنّت اگر در مقابل هم قرار گيرند چون طبيعت سنّت، رکود و سکون است و طبيعت زندگي، پويايي و تحرک، در اين صورت فرهنگ با زندگي درگير خواهد شد.

در هرحال، نوآوري فرهنگي و علمي نيازمند سياست‌گذاري و برنامه ريزي است که از سوي رهبران جامعه اعلام مي‌گردد. از جانب ديگر، اگر خلاقيت و نوآوري به يک فرهنگ و سنّت تبديل نشود تداوم پيدا نمي‌کند و فرآوردة آنها تجدد و نوسازي و نوآوري به حساب نمي‌آيد.

نوآوري بايد از مراکز حوزه‌ها و دانشگاه‌ها آغاز شود. اگر اين دو نهاد از خلاقيت بيفتند، نبايد انتظار نوسازي و ابتکار به مفهوم وسيع آن داشت.

نوآوري در تمام مظاهر زندگي و حيات علمي و سياسي قابل تصور است؛ از شکل لباس، مسکن و خوراک گرفته تا نوآوري درعلم، عمل، طرح و برنامه و شيوه‌هاي آموزشي و پرورشي و نيز در ابعاد سياسي، اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي، اعتقادي، فلسفي، کلامي و هنري.

اساس نوآوري، طرح يک فرضية جديد است که پس از بررسي و اقامة قراين و شواهد عيني و تجربي، شکل قانون علمي جديدي به خود مي‌گيرد. سپس با عملياتي شدن آن، مصنوعات و محصولات مناسبي ابداع و اختراع مي‌شود، و اين يعني نوآوري؛ مثلاً فلسفة متعالي صدر المتألّهين که دلايل حکمت را با گفته‌هاي عارفان و فلسفة مشّاء را با اشراق درآميخته و از مجموعة آن‌ها حکمت متعالي را به وجود آورده است، يک نوسازي فلسفي شمرده مي‌شود.

در بعد سياسي، نهضت روحانيت به رهبري امام راحل با شيوه‌ها و معيارهاي جديد مبارزاتي، از ابتکارات سياسي و انقلابي عصر جديد بود، چرا که نهضت‌هاي مشروطه و قيام صنعت نفت و ساير نهضت‌هاي صد سالة اخير در ايران به شکست منتهي شده بود. هم‌چنين مبارزات دانشگاهيان و امثال آيةالله طالقاني و مهندس بازرگان با تمام ارزش‌مندي که داشت، هنوز به ثمر ننشسته سرکوب ‌گرديد. ليکن امام راحل روش مبارزاتي خاصي را ابداع نمودند که تمام معيارهاي مبارزه را دگرگون ساخت و نهضتي را به شکلي جديد عرضه داشت و سرانجام با تمام فراز و نشيبي که داشت به پيروزي رسيد. جنگ 33 روزة حزب‌الله لبنان با اسرائيل نيز از بدايع بهت‌آور قرن بيستم است، چرا که اسرائيل در جنگ شش روزه اغلب کشورهاي عربي را شکست داد اما حزب‌الله با مقاومتي دليرانه و شجاعتي کم‌نظير، هيمنة اين رژيم تا بن دندان مسلّح و غير قابل شکست را درهم فروريخت و عزت کشورهاي اسلامي را بازگردانيد.

هم اکنون حضرت آية‌الله العظمي سيستاني سياست مدبّرانه و جديدي را در عراق به مرحلة اجرا مي‌‌گذارد تا آن کشور را از جنگ فرقه‌اي نجات دهد و نقشه‌هاي استکبار جهاني و مزدوران داخلي را نقش بر آب نمايد. اگر نبود تصميم حکيمانة معظّم‌له پس از انفجار بارگاه مقدس امامين در سامرا، در کوچه‌هاي عراق رودخانه‌هاي خون جاري مي‌شد و اشغال‌گران، صدام ديگري را روي کار مي‌آوردند.

نوآوري در علوم نقلي و عقلي

شيخ انصاري در فقه و اصول، نوآوري‌هاي عجيبي داشت، از اين رو لقب «خاتم المجتهدين» به وي داده شد. پيش از آن، شيخ‌طوسي و سيد‌مرتضي ‌علم‌الهدي در تأليف‌هاي گران‌قدر خود نوآوري‌هايي را عرضه داشتند. کتاب خلاف و امالي، دو نمونه از ابتکارات فقهي سيدمرتضي است. شيخ مفيد (اعلي الله مقامه) در شيوة مناظرات علمي و نظري، خلاقيت‌هاي جديدي را از خود نشان داد. مرحوم علامه طباطبائي و شهيد مطهري، در طرح مباحث فلسفي و تفسيري و شيوة نگارش آن‌ها و نيز در مسائل اجتماعي و ديني، ابداعاتي را عرضه داشتند. خواجه نصيرالدين طوسي با نوشتن تجريدالاعتقادات و جوهرالنضيد و ساير کتاب‌هاي ارزنده در منطق و عقايد، نوآوري‌هاي بديعي داشت.

شهيد مطهري، فلسفه و حکمت را با استفاده از ايده‌اي نو از آسمان به زمين آورد و با نثري زيبا و روشنگرانه، آن را بومي کرد و بايد اعتراف کنيم که به اين زودي‌ها مثل او پيدا نمي‌شود: «هيهات ان تلد الزمان بمثلهم ان الزمان لمثلهم لعقيم».

به قول سعدي:

صبر بسيار ببايد پدر پير فلک را

تا دگر مادر گيتي چو تو فرزند بزايد

ذهن نقّاد و عقل عميق و پهناور و نبوغ مرحوم شهيد مطهري چنان بود که به قول آية‌الله باقرکَني در هر موضوعي که وارد مي‌شد ابداعات و تازهايي به بازار علم و تحقيق عرضه مي‌داشت. بي‌دليل نيست که امام(ره) فرمود: «آثار قلم و زبان او بي‌استثنا آموزنده و روان‌بخش است.»[2]

البته از اين نکته نبايد غفلت کرد که نوآوري در فلسفه و حکمت کار بسيار مشکلي است و هر کسي را توانايي آن نيست. متفکران معاصر بايد تمام تلاششان مصروف فهم قواعد فلسفي و دقايق حکمت گردد. اول بفهمند، سپس براي نوآموزان تبيين نموده و بر مايه‌هاي فلسفي و معلومات خود بيفزايند.

برخي از متفکران به گمان خود فلسفه را فهميده‌اند، حتي اصول فلسفه و روش رئاليسم اين دو بزرگوار را نقد و تحليل کرده‌اند. اين جانب که اصول فلسفه را پس از بيست سال تدريس به روشي نو تنظيم و تفسير کرده‌ام، وقتي به برخي از نوشته‌هاي به اصطلاح فلسفي که در نقد علامه و شهيد مطهري نگاشته شده بود مراجعه کردم ديدم نقدهاي آن‌ها به طنز شبيه‌تر است تا نقد واقعي. برخي از نويسندگان هم صرفاً خواسته‌اند خود را مطرح کنند تا مگر در زمينة حکمت و فلسفه از اهل نظر به شمار آيند.

در فلسفه و منطق، نوآوري‌هاي فيلسوفان مسلمان از فارابي و ابن سينا تا ملاصدرا و سپس فيلسوفان ديگر، نظريه‌هاي جديدي را به عالم انديشه و فکر ارائه کرده و هندسة فکري انديشوران و ديدِ آنان را به کلي دگرگون نمود. حتي علم منطق را که برخي اقتباس از ارسطو و تهي از نوآوري مي‌دانند با خلاقيتِ فيلسوفان مسلمان، به شکل امروزين خود درآمد؛ به طوري‌که آنان قواعد و مسائلي را در منطق ابداع نمودند.

دانش «فقه» و علم «اصول» نيز با ابتکارات فقيهان نوانديش و اصول‌گرايان مبتکر، به پيشرفت‌هاي خيره کننده‌اي رسيد. براي مثال در روزگار ما، خلاقيت‌هاي فقهي امام خميني(ره)، نگرگاه بسياري از مجتهدان را در زمينة حکومت و شيوة زمام‌داري اسلامي در زمان غيبت، تغيير داد و هندسة فکري جديدي را در اين زمينه پياده کرد.

در هر صورت، راه‌هاي ابتکار و نوآوري غالباً نيازمند نبوغ ذاتي، آموختن پايه‌هاي اصلي يک دانش، داشتن معلومات بسيار و مطالعه و تمرکز بيش از حد يک دانشمند در مسئله‌اي خاص است.

معروف است که هيرون، پادشاه صيقليه (سيسيل) مقداري طلا به زرگر ماهري داد تا تاجي براي او بسازد. زرگر خدمت را به انجام رسانيد و تاج مرصّعي ساخت و به محضر شاه تقديم کرد. اما شاه به زرگر بدگمان شد و فکر کرد شايد او مقداري از طلا را دزيده و هم‌وزن آن فلز ديگري را در تاج آميخته است. از سويي نيز نمي‌خواست در ساختار تاج خللي وارد شود. از اين رو به ارشميدسِ حکيم متوسل گرديد. ارشميدس مدت مديدي به فکر فرو رفت تا براي اين مشکل راه حلي مناسب پيدا کند. پس از تمرکز و تفکر زياد روزي در حمام وارد خزينه شد. حوضچة حمام لب‌ريز از آب بود. تا حکيم در آب فرو رفت احساس سبکي کرد و مقداري آب هم از لب حوض بيرون ريخت. بلافاصله مغزش جرقه‌اي زد و متوجه آن نکته‌اي شد که مدت‌ها دنبالش بود. از شدت خوشحالي بدون اين‌که متوجه شود لباس ندارد از حمام بيرون آمد و در کوچه و بازار سراسيمه مي‌دويد و فرياد مي‌زد: «اوريقا اوريقا»؛ يعني يافتم و فهميدم، و ترازوي آبي را اختراع کرد.

حال بايد ديد وظيفة امروز ما چيست و چگونه مي‌توان فرآيند نوآوري را تسريع بخشيد؟ در اين‌باره نکته‌هايي را يادآور مي‌شويم:

1. برنامه‌ريزي آموزشي صحيح: متولّيانِ آموزشِ دانش‌ها و معارف اسلامي بايد بکوشند با برنامه‌هاي سنجيده و صحيح زمينه‌هاي خلاقيت را فراهم کنند، چراکه «نوآوري» با آموزش‌هاي درست، ميسور است. انتخاب کتاب و استاد خوش فکر، شاگردانِ خلّاقي را تربيت خواهد کرد.

2. ايجاد فضاي آزاد انديشه: نوآوري، هميشه با آزادي، همراه است، اگر فضاي آزاد براي برداشت‌ها و انديشه‌هاي صحيح نباشد، هيچ‌گاه خلاقيت به وجود نخواهد آمد. اگر دانشمندي از بيان و بروز افکار خود در هراس باشد، نوآوري‌ها در نطفه خفه خواهد شد. روشن است که منظور ما از آزادي، بي‌بندوباري و رفتارهاي ناهنجار نيست. تکفير و تفسيق‌ها، فضا را براي بروز انديشة خلّاق مي‌بندد.

3. رسانه‌هاي مناسب: خلاقيت‌ها بايد در جايي مجال بروز يابند و هر کدام در حد و اندازة خود، مطرح شوند؛ روزنامه‌ها، مجله‌ها، صداو سيما، فضاهاي دانشگاهي و حوزوي، منابر و مساجد، محيط‌هاي ارتباطيِ الکترونيکي، همه و همه عرصه‌هايي هستند که بايد مرغ انديشة هر انسانِ خلّاقي بر فراز آنها به پرواز درآيد.

روشن است که خودِ اين رسانه‌ها نيز بايد از نظر محتوا، عبارت‌پردازي و شکل صوري نيز پرجاذبه بوده، از ويژگيِ «نوآوري» برخوردار باشند.

4. حمايت و تشويق: گلستان خلاقيت با حمايت و تشويق، شکوفا مي‌شود. مبتکران و نوآوراني که براي گذران زندگي خود در مضيقه باشند يا به فراموشي سپرده شوند و يا با آنان بد برخورد شود، ذوقشان به تدريج مي‌‌پژمرَد‍. سخنان مقام معظم رهبري نيز در آغاز اين سال در راستاي همين حمايت و تشويق است.

اميد که گُل خلاقيت در اين بوستان، هميشه شکوفا بماند و مردم اين مرز و بوم با انديشة خلّاق فرزندانش در رفاه و معنويت، زندگي کند.

سردبير

پي‌نوشت‌ها:

1. فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد، حرف(ن).

2. صحيفة نور، ج8، ص389.